

اندیشمندان مسلمان
<span></span>

نگاهی به بخش‌هایی از مواضع وحدت‌گرایانه

شیخ‌محمود شلتوت

## تعصب، رشته پیوند مسلمانان را قطع می‌کند

شیخ محمود شلتوت (۱۳۱۰–۱۳۸۳قمری) فقیه و ادیب از علمای آزاداندیش مصری واز روسای دانشگاه الازهر بود که با صدور فتوای تاریخی‌اش مبنی بر جواز پیروی از مذهب شیعه و تأسیس فقه مقارن در دانشگاه الازهر، نه‌تنها نام خود را در عالم اسلام جاودانه ساخت بلکه مؤثر ترین گام را در وحدت عالم اسلام به‌خصوص وحدت شیعه و سنی برداشت. در ادامه براساس جلد دوم کتاب «طلایه‌داران تقرب‌ب» اثر علی احمدی به مرور بخش‌هایی از مواضع وی پیرامون وحدت می‌برداریم.

بی‌شک شیخ محمود شلتوت از معدود عالمانی بود که به وحدت اسلامی اهمتیای ویژه داشت. وی وحدت اسلامی را اینگونه تعریف می‌کند: «برادری دینی بین قلوب مسلمین پیوند برقرار می‌کند و آنها را همچون خانواده‌ای واحد می‌سازد. مسلمان از خوشحالی و مسلمان، خوشحال و از ناراحتی او ناراحت می‌شود. هنگامی که گمراه‌اشد او را هدایت می‌کند و هنگامی که اغفال‌شد او را ارشاد می‌کند و هنگامی که ضعیف‌شد به او رحم می‌کند و در یک جمله، آنگونه که برای خود می‌پسندد با او رفتار می‌کند.»

**محور وحدت**

یکی از مهم‌ترین امور در شکل‌گیری وحدت، دستیابی به نقطه اشتراکی است که همه مذاهب بر آن اتفاق داشته باشند. شیخ شلتوت در این‌باره می‌گوید: «اسلام مردم را به وحدت فراخوانده و محوری را که مسلمانان باید به آن تمسک جویند و گرداگرد آن جمع آیند، اعتصام به حبل‌الله قرار داده است.» شلتوت در جایی دیگر، کتاب خدا و سنت رسول‌الله(ص) را وجه اشتراک همه مذاهب می‌داند و می‌گوید: «هنسی از تفرقه، تفرقه تفرقه مذهبی را نیز در برمی‌گیرد زیرا به‌رغم آنکه مذاهب فقهی اسلامی بسیار بوده و شیوه‌های آن مختلف است، از اصول واحدی که کتاب‌الله و سنت پیامبر(ص) است، بر گرفته شده است. ولی به‌رغم تعدد مذاهب و اختلاف در بسیاری از احکام و وجود آن متعدد، همگان در نقطه‌ای مشترک و سخنی واحد، پیوسته می‌آیند، این همان ایمان به مصادر اصلی و تقدس کتاب‌الله و سنت رسول‌الله(ص) است.»

**اختلاف فکری آری، تعصب نه**

شیخ محمود شلتوت بین اختلاف دینی که در مجامع علمی صورت می‌گیرد و تعصب خشکی که در میان برخی عوام در جریان است، فرق می‌گذارد در این‌باره می‌گوید: «اختلاف رأی، ضرورتی اجتماعی و امری طبیعی است که اجتناب‌ناپذیر است اما با اختلافی که منجر به تعصبات مذهبی و جمود فکری شود، تفاوت دارد. تعصب، رشته پیوند مسلمانان را قطع می‌کند و دشمنی و کینه را در دل‌ها می‌پوراند. ولی اختلاف به سبب حقیقت‌پژوهی، با احترام به آراء و اندیشه‌های مخالفان ستودنی و قابل‌پذیرش است.»

**ترک تعصب؛ عامل وحدت**

خبرنگاری از شیخ شلتوت سؤال کرد: «عواملی که وحدت را استوار می‌سازند، کدامند؟» وی در جواب فرمود: «ولین عامل، ترک تعصب و حقیقت‌خواهی بار عایت همکاری و انصاف است. این امر به تحقق شرط‌های دیگر کمک خواهد کرد.» از جمله روی‌آوری به فرهنگ و طرح‌های اسلامی و بهره‌گیری از تمام‌نظریات، «شیخ شلتوت در جایی دیگر نیز در همین باب فرموده: «هرگز نباید کسی تصور کند که به حقیقت مطلق و تردیدناپذیری دست یافته و بر دیگران حتماً لازم است که از او پیروی کنند بلکه خود باید بگوید آنچه یافتام تنها یک عقیده و محصول کوشش و تحقیقات من است. در این‌باره به کسی اجازه نمی‌دهم که بی‌اساس پیروم شود بلکه باید بگوید تا مدرک گنتمام را در یابد. آنگاه اگر دلیل استوار آمد، مایه تأیید من است.»



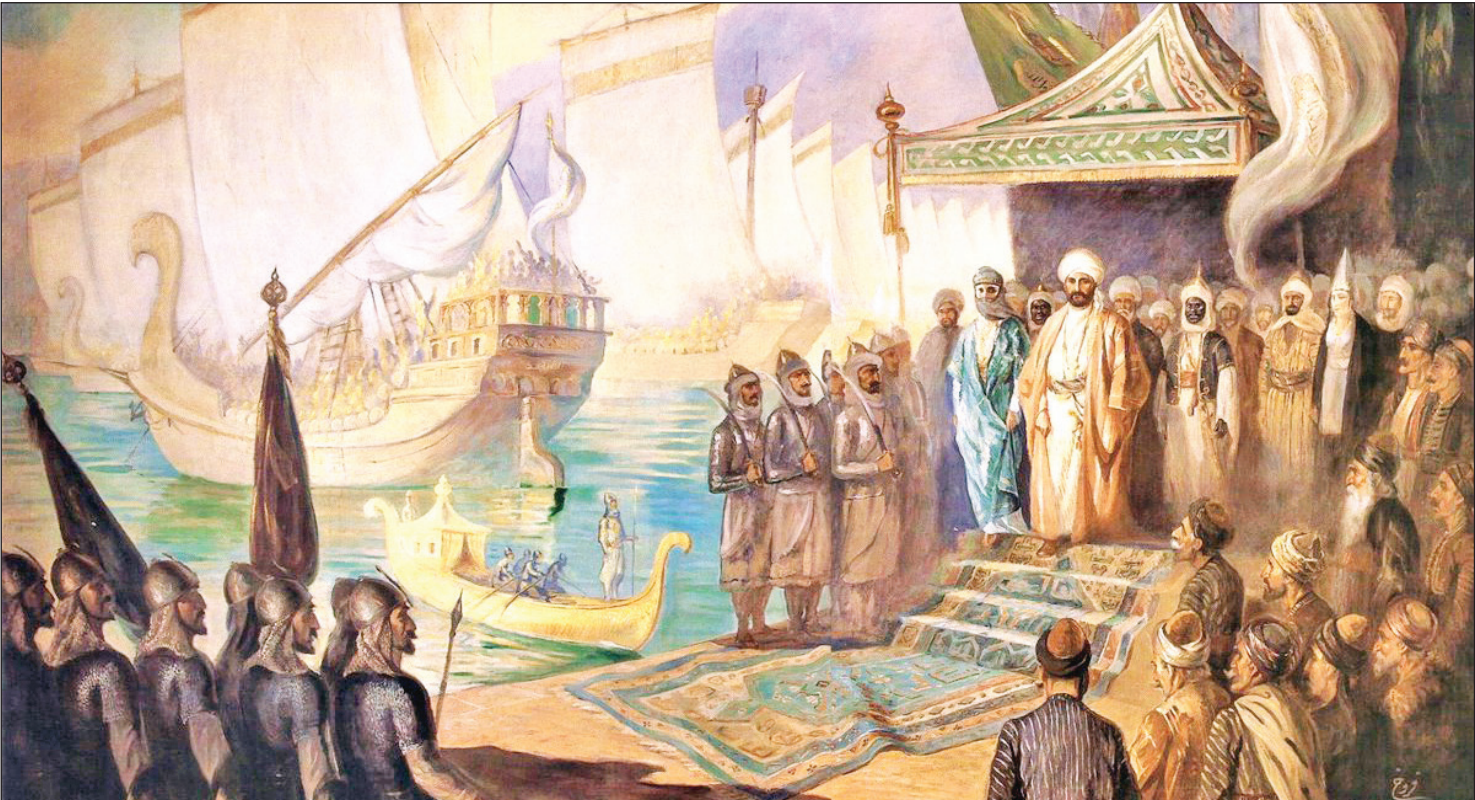
**گلابه از نویسندگان و نخبگان ناآگاه**

محققان، نخبگان و نویسندگان در هر کشوری می‌توانند یا مردم را به‌سوی وحدت فراخوانند، یا اینکه خدای‌نخواست، دانسته یا ندانسته تخم نفاق و تفرقه بپاشند. شیخ شلتوت ضمن انتقاد از این گروه می‌نویسد: «بسیاری از نویسندگان گروه‌های اسلامی، تحت‌تأثیر تعصب مذموم و نفرت‌انگیز قرار گرفته‌اند و در کتاب‌ها و نوشته‌هایشان بین فرزندان امت واحده اسلامی آتش کینه و دشمنی برافروخته و هر نویسنده‌ای از زاویه تنگ و سبک عقلی و بهیودگی عقیدتی که شایسته فرد مسلمانان نیست، به پشت سر خود نگر می‌نست. زبان و آسیب اینگونه تفکر در نوشته‌اش سord آن بیشتر است.»

**فتوای مهم شیخ شلتوت**

مهم‌ترین اقدام شیخ محمود شلتوت در طول زندگی‌اش، صدور فتوای مبنی بر جواز تعدد و پیروی از فقه مذاهب معتبری مثل شیعه است. شلتوت با این اقدام گام بسیار مهمی در راه تقرب مذاهب سنی و شیعه برداشت. متن فتوای او که در ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۷۸ ه‍.ق در پاسخ به سؤالی مطرح شد، بدین شرح است: «بین اسلام هیچ‌یک از پیروان خود را ملزم به پیروی از مکتب معینی نکرده؛ هر مسلمانی می‌تواند از هر مکتبی که به‌طور صحیح نقل شده و احکام آن در کتب مخصوص به‌خود مدون شده، پیروی کند و کسی که مقلد یکی از این مکتب‌های چهار گانه باشد، می‌تواند به مکتب دیگری (هر مکتبی که باشد) منتقل شود. مکتب جعفری معروف به مذهب امامی اثنی‌عشری، مکتبی است که شرعاً پیروی از آن مانند پیروی از مکتب‌های اهل سنت جایز است. بنابراین سزاوار است که مسلمانان این حقیقت را دریابند و از تعصب ناحق و ناروایی که نسبت به مکتب معینی دارند، دوری گزینند؛ زیرا دین خدا و شرعاً و ادو تابع مکتبی نبوده و در احکام و انحصار مکتب معینی نخواهد بود بلکه همه صاحب‌مذاهبان مجتهد بوده و اجتهادشان مورد قبول در گاه یاری‌تعالی است. و کسانی که اهل نظر و اجتهاد نیستند، می‌توانند از هر مکتبی که مورد نظر شان است تقلید و از احکام فقه آن پیروی کنند و در این مورد فرقی میان عبادات و معاملات نیست.»

## اندیته



# مفهوم صحابی در قرآن و روایات

## بررسی آرای برخی از پژوهشگران اهل سنت پیرامون صحابی بودن معاویه بن ابی سفیان

علمی، بگویم برخی از صحابه مطابق فلان دلیل، فاسق یا ظالم بوده‌اند.

**صحابی در قرآن**

در ۱۳، خدانند مهاجرین و انصار که صحابی پیامبر(ص) حساب می‌شدند را با الفاظ مختلف مورد عنایت خود قرار داده. یکی از این آیات که سخن از رضایت خدا نسبت به صحابی دارد را با هم مرور کنیم تا ببینیم آیا امثال معاویه می‌توانند مصداقی از صحابی در نگاه قرآن باشند؟
وَ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِذْنِ رَسُولِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ زُجِرُوا عَنْهُ وَ أُعِدَّ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَّا يَلْغُ الْوَجْرُ الْعَظِيمُ (توبه/ ۱۰)

در این آیه خدانند از ۳ گروه اعلام رضایت کرده است: **(الف)** مهاجران اولیه (ب) سابقین از انصار (ج) تابعان به احسان

هجرت یکی از نقاط عطف در تاریخ اسلام به شمار می‌رود به‌طوری که خود آن یکی از معیار های مهم

و امتثال وی، از زمره صحابی پیش از صلح حدیبیه یا فتح مکه، به مدینه به هدف تقویت جامعه اسلامی و پیروی از دستور پیامبر اکرم(ص) هجرت کرده باشد،

مهاجر اولیه شناخته می‌شود. اما آنهایی که بعد از صلح حدیبیه یا فتح مکه به اسلام گرویدند و بنا به مصالحتی اسلام آورده و مهاجرت کردند، مهاجر اولیه محسوب نمی‌شوند. در زبان پیامبر اکرم(ص)، این افراد به طلقه‌ای یعنی ازآشدگان مشهور شده‌اند. باین توضیح معاویه و امثال وی، از زمره صحابه مهاجران اولیه نبوده و در جرگه طلقه‌ها به حساب می‌آیند.

سابقین از انصار هم یعنی آن دسته از شخصیت‌های مدنی که از پیامبر اکرم(ص) حمایت کردند و در جنگ بدر به‌مدافعت آن برخاستند. بعد از بدر، بدلیل عزت و قدرت یافتن اسلام و مسلمانان، بسیاری از مردم مدینه حتی منافقان به حمایت از پیامبر(ص) روی آوردند. در نتیجه آنها که در روزگار سختی پشتیبانی لازم را نکردند، سابقین از انصار شناخته نمی‌شوند. پرواضح است که معاویه و امثال وی به‌طور کلی در دسته انصار نیستند.

تابعان به احسان هم آن گروهی از مسلمانان هستند که بعد از مهاجران اولیه و سابقین از انصار به اسلام نه‌هر تابعی، بلکه آن گروه از تابعان که به‌بهترین شیوه، راه مهاجران نخست و انصار باسابقه را ادامه دادند.

آیا معاویه می‌تواند در این دسته قرار بگیرد؟

برخی از علمای اهل سنت در توضیح قید «احسان» که برای تابعان آمده اینگونه گفته‌اند: «علاوه بر آنکه تابعان باید اعمال صالح انجام دهند، علامت روشن این گروه، دعا برای مهاجران و انصار و عدم بغض و سب آنها است.» آنها این علامت را مستند به آیات ۹ و ۱۰ سوره حشر می‌نامند.

همچون معاویه باشند. لذا تمام آثاری که اهل سنت در این باب می‌نامند.
سب آنهاست. آنها این علامت را مستند به آیات ۹ و ۱۰ سوره حشر می‌نامند.

محققان در این‌باره گفته‌اند هر کس از صحابه متاخر که صحابه سابقین را سب کرده باشد، مثل بعضی از اهل

مصرب که عثمان را سب کردند و اکثر اهل شام که علی را

سب کردند، از هر ۳ گروه مدنظر آیه خارج‌اند. اما در این میان برخی قاعده‌ای ساخته‌اند به نام «المساک عما شرح بین الصحابه» بدین معنا که دست دعا و مشاجره بین صحابه باید سکوت کرد و دست نگه داشت. اینگونه سعی کرده‌اند در دعوی میان علی و معاویه، بی‌طرفی اتخاذ کرده و هیچ‌یک از طرفین را مورد مذمت قرار ندهند. در پاسخ به این جماعت، عالمان اهل سنت اساساً این قاعده را نادرست خوانده و مطابق بسیاری از تفاسیر قرآنی، دعوی صحابه را «ظلم ظالمان حتماً باید ذکر شود تا مردم آنها را بشناسند و برای خود الگو قرار ندهند.»

در نتیجه می‌توان مطابق تفسیری که خود عالمان اهل سنت از آیات شریفه قرآن دارند، برای صحابه دایره معنایی درنظر گرفت که شامل مصداقی چون معاویه نمی‌شود.

**صحابی در احادیث نبوی**

احمدبن حنبل با سند صحیح روایتی بدین مضمون از ابوسعید الخدری نقل می‌کند: «مردم یک گروه

هستند و من و اصحاب من یک گروه هستیم و بعد از فتح دیگر هجرتی وجود ندارد هر چند جهاد هست و نیت!» برخی از اندیشمندان اهل سنت از مضمون این روایت برای تعیین حدود معنای صحابی و صدق آن بر مصداق اینگونه استفاده کرده‌اند: «این حدیث بر خروج احتمالی مسلمانان بعد از بیعت رضوان و خروج قطعی مسلمانان بعد از فتح مکه از دایره صحابه شرعی دلالت می‌کند.» پس «طلاق»، «عتقاه» و «فود» که بعد از صلح حدیبیه، سب مسلمان شدند، از دایره صحابی خارج هستند. همچنین برخی از اهل سنت آورده‌اند، «امام مسلم در کتاب «فضائل صحابه» از ابوسعید الخدری نقل کرده که در دعوی بنی خالدین ولید و عبدالرحمان بن عوف، پیامبر(ص) به خالد فرمودند: هیچ‌یک از صحابه مرا سب نکنند… این حدیث به‌طور واضح خالدین ولید و طیبه او را اطلاقه و امسالت آنها از مفهوم «صحابی» خارج کرده است. جالب آنکه خود خالد که از زمان فتح مکه تا ۱۸ ماه همراه پیامبر(ص) بود، مدعی نشد که جزو صحابه است. گویی برای او روشن بود که صحابه پیامبر با آنها که طلقه بودند تفاوت دارند.

همچنین روایات دیگری وجود دارد که افرادی همانند عبدالله بن عمر، سب‌کنندگان مهاجران را در دایره صحابی ندانسته است (الدر المنثور، ج ۱، ص ۴۶۷). حتی روایاتی وجود دارد که عمر بن خطاب، طلقه‌ها را متهم می‌کرد به اینکه اسلام را ناخاسته پذیرفته‌اند (الصحيح والصحابه، ص ۱۱۶).

در نتیجه مطابق آرای برخی از عالمان اهل سنت، صحابه در ادبیات دینی دایره شمولی دارد که مطابق آیات و روایات نمی‌تواند قابل صدق بر شخصیت‌هایی همچون معاویه باشد. لذا تمام آثاری که اهل سنت برای صحابی قائل هستند (مانند عدالت، حرمت مذمت و لعن، بر افرادی همچون معاویه بار نمی‌شود؛ چرا که بسیاری از اهل سنت، حتی در اسلام معاویه تردید جدی دارند چه رسد به آنکه وی را شخصیتی مقدس بیندارند که امکان نقد رفتارهای او و ارزیابی آن با معیارهای «فاسق» و «ظالم» وجود نداشته باشد.

بی‌نوشته: پژوهشگران و علاقه‌مندان می‌توانند برای تسهیل دسترسی به آرای طرح شده، مقاله «اندیشه‌های حسن بن فرح مالکی درباره صحابه» را مورد مطالعه قرار دهند.

اندیشه راهبر

**وحدت مسلمان‌ها**

**یک امر تاکتیکی نیست**

**آیت‌الله العظمی خامنه‌ای(حفظه‌الله):** -چند نکته را در مورد وحدت مسلمین عرض می‌کنیم. یک نکته این است که اتحاد مسلمانان یک فریضه قطعی قرآنی است؛ این یک چیز دل‌پخواه نیست؛ این را به‌عنوان یک وظیفه باید نگاه کنیم. قرآن دستور داده: **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا**؛ یعنی حتی در اعتصام به حبل‌الله هم بااجتماع باید این کار انجام‌دهید. **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا**؛ این «امر» است دیگر؛ چرا ما این را به یک امر اخلاقی تبدیل می‌کنیم؟ این یک دستور است، یک حکم است که باید طبق این عمل کرد. نکته دوم وحدت و اتحاد مسلمان‌ها یک امر تاکتیکی نیست که حلال‌بعضی خیال‌کنند به‌خاطر شرایط خاصی ما بایستی با هم‌دیگر متحد باشیم؛ نه، یک امر اصولی است؛ هم‌افزایی مسلمان‌ها لازم است؛ اگر مسلمان‌ها متحد باشند، هم‌افزایی می‌کنند و همه قوی می‌شوند؛ وقتی که این هم‌افزایی وجود داشته باشد، حتی آنهایی که مایلند سـو مانعی هم نیست سـ که تعامل با غیرمسلمان‌ها داشته باشند، با دست پُر وارد این تعامل می‌شوند. بنابراین هم‌نکته بعد که این یک امر اصولی است و امر تاکتیکی نیست، نکته سوم این است که علت اینکه مادر جمهوری اسلامی بر وحدت مسلمین، زیاد تأکید می‌کنیم، این است که فاصله زیاد است. امروز مرتباً تلاش می‌شود که بین فرق مسلمین، بین شیعه و سنی اختلاف ایجاد بشود؛ تلاش جدی و برنامه‌ریزی شده. شما ملاحظه کنید، امروز کلمه «شیعه» و «سنی» وارد ادبیات سیاسی آمریکا شده؛ آمریکایی‌ها به شیعه و سنی چه کار دارند؟ چند سال است که در ادبیات سیاسی آمریکا مسئله سنی بودن و شیعه‌بودن وارد شده، در این‌ها، فلان کشور شیعه‌اند، فلان کشور سنی‌اند؛ اینکه آنها باصل اسلام مخافتند و ششمنند اما مسئله شیعه و سنی را از‌ها نمی‌کنند. پس این چیزها هست؛ اختلافات را روزبه‌روز دارند زیاد می‌کنند، سوءتفاهم‌ها را زیاد می‌کنند. بنابراین ما تأکید می‌کنیم و علت تأکید ما این است. و ملاحظه هم می‌کنید که دست‌آموزهای آمریکادر هر جای دنیای اسلام که بتوانند، فتنه ایجاد می‌کنند.

**معرفی کتاب**

**چند کتاب درباره شهید اندرزگو**



یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی آن است که خون افرادی برای به‌ثمرنشتن آن بر زمین ریخته‌که در مسیر اندیشه و تفکر و علم گام برمی‌داشتند.

از جمله این افراد شهید سیدعلی اندرزگو است که در تاریخ

۲شهریور ۱۳۷۷ طی درگیری با

مأموران سلاوک به‌شهادت رسید. خالی از لطف نیست اگر این‌بار

در بخش معرفی کتاب، عنوانی را معرفی نمایم که تاکنون

درباره‌این شهید عزیز نوشته شده است.

۱- «چریک» تنها‌عنوان نخستین کتبی است که زندگی‌نامه و خاطراتی از این روحانی مبارز را تالیف کرده است. گروه فرهنگی شهید راهی همی کتاب حاضر را چاپ و منتشر کرده است.
۲- «هی که می‌گن قهرمان؟» عنوان دیگری است که ترس آبیار روایت یک پدر بزرگ را از زندگی شهید اندرزگو تالیف کرده است. این کتاب توسط انتشارات سوره مهر چاپ و روانه بازار شده است.

۳- کتاب‌سوم با عنوان «سفر بر مدار مهتاب» گفت‌وویی است با کی‌راسلیه‌سپهر، همسر شهید اندرزگو که از زاویه دید ایشان به زندگی شهید می‌پردازد. این کتاب نیز توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده است.

۴- کتاب چهارم با عنوان «ستاره شمال» تالیف‌ناهد سلیمانی است که به‌ماجرای سفرها و مبارز‌های شهید سیدعلی اندرزگو و نقش مؤثر وی در وارد کردن اسلحه به ایران و مبارزه با رژیم پهلوی پرداخته است. این کتاب به‌موضوع عشق‌ها، در‌به‌ری‌ها، تحصیل، مبارزات و شکنجه‌های این شهید بزرگوار رود کرده و سعی دارد عشق و جنگ را در کنار یکدیگر روایت کند. کتاب توسط انتشارات سوره‌مهر به‌عبار عرضه شده است.

**اندیشه مسطور**

**انسان‌ها نیاز مند**

**زندگی مسالمت‌آمیز و اتحاد با یکدیگرند**

انسان، نه از نظر تجرّد روحی، همسان فرشتگان است تا بی‌نیاز از هماهنگی با همنوع خود باشد و با شاعر (وما منّا الاّله مقام معلوم) زندگی کند و نه از جهت تجسم بدنی همتای حیوانات است تا بی‌نیاز از تبادل و تعاون با همنوع خویش باشد و با شاعر (قد افلح الیوم من استعلى) که بر خاسته از حلقوم درندگان بشر-نما چون آل فرعون است به سسر برد و نه می‌تواند بدون تکیه‌گاه تکوینی، به تشمت و پراکندگی خاتمه دهد و راز و رمز اتحاد با همنوع خود را دریابد و با رفتار مناسب، به وحدت روی آورد و با شاعر (قد افلح من تزكى) از هر گونه نفص و عیب برهد و به کمالی برسد. بر این اساس، اولاً انسان‌ها نیاز مند زندگی مسالمت‌آمیز و اتحاد با یکدیگرند؛ ثانیاً پشتوانه این اتحاد باید اهتمام به اجرای حق و سسر کوب کردن باطل باشد؛ ثالثاً برای تحقق اتحاد حقیقی باید به دستوره‌های حیوانی که به وسیله عقل و نقل کشف می‌شود، روی آورد.

امیر مؤمنان (ع) وحدت را منت بزرگ خدای سبحان بر مردم دانسته است؛ آنجا که فرمودند: خداوند بر این امت، منت گذارده و بین آنان لغت و اتحاد ایجاد کرده است که در سایه آن زندگی کنند و بی‌کف حمایت آن پاننده شوند؛ این نعمتی است که احدی نمی‌تواند بهایی برایش بگذارد، زیرا از هر بهایی فرکاندر تر و از هر چیز پراز زرضی، بالارزش تر است. تعبیر منت الهی درباره وحدت، بیانگر اهمیت این موضوع است، منعمت‌ظلم، منت‌گفته می‌شود، چنان‌که خدای سبحان از بعثت پیامبر(ص) به‌عنوان منت یاد کرده است: (لقد مرّنّ الله علیّ المؤمنینّ اذ بقّمت فیهم رسولاً من انفسهم). وحدت، آن قدر مهم است که حضرت علی(ع) با وجود مصایب سنگین، به‌شدت، حافظ اتحاد جامعه اسلامی بود.

**پن: بر گرفته از کتاب روابط بین الملل در اسلام، اثر آیت‌الله جوادی آملی**